

کتاب کنکور

عربی زبان قرآن جامع دهم، یازدهم، دوازدهم

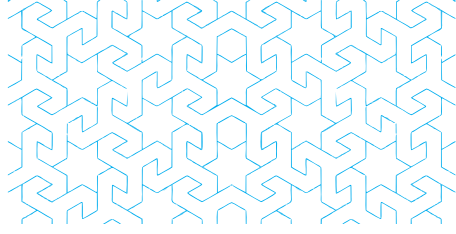
مهدي ترابي

رشته های ریاضی و تجربی

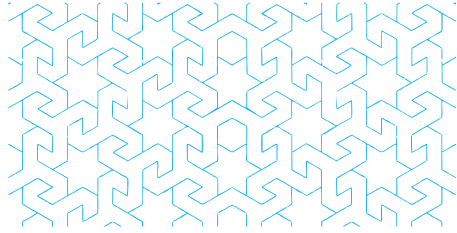
از مجموعه مرشد

به همراه
پرسش ها و پاسخ نامه تشریحی
کنکور ۹۸





UNIVERSITY
OF
SOUTH
ALABAMA



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

«هر کودکی که به دنیا می‌آید، این پیام را به همراه دارد که خدا، هنوز از انسان ناامید نشده است.»

این جمله معروفی از اندیشمند هندوستان، «رابیندرانات تاگور» است که بارها و بارها به مفهوم زیبای آن فکر کرده‌ام و احیاناً شما هم حس می‌کنید که به طرز هوشمندانه‌ای می‌خواهد بگوید که اگر خدا از انسان‌ها ناامید شده بود دیگر هیچ کودکی به دنیا نمی‌آمد.

و حالا حتماً از خودتان می‌پرسید که این مطلب چه ربطی به این کتاب و موضوع آن دارد؟! «هر کتابی که به دنیا می‌آید (تولید می‌شود)، این پیام را به همراه دارد که انسان، هنوز از آموختن ناامید نشده است.»

بی‌اغراق می‌گویم که اگر امید به آموختن در وجود انسان هنوز زنده و ملموس نبود شاید ما هم این مقدار سختی را برای تولید چنین کتابی تحمل نمی‌کردیم و اکنون که آخرین قلم‌فرسایی‌های این کتاب را انجام می‌دهم، تمام امید و آرزویم این است که توانسته باشم کتابی تألیف کنم که مطالعه آن شما را در فهم و یادگیری بهتر درس عربی یاری کند و افقی نو در نگاهتان بگشاید.

در روند تولید کتاب نیز مانند هر محصولی، فقط یک نفر به چشم می‌آید و آن هم «مؤلف» است درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پر تلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزانم به اشتراک بگذارم:

سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران

جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

مهندس بابک نهرینی: دوست عزیز و خوش‌قلبی که باعث آشنایی من با مجموعه مبتکران بود.

آقای حسین کشتی‌کار: که همواره صبور و مهربان و باوقار به خواسته‌های من گوش می‌دادند و به همکارانشان در سایت طراحی و حروف‌چینی منتقل می‌کردند.

صفحه‌آرا: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.

سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.

گرافیکست: بهاره خدامی

طراح جلد: مینا هرمزی

سرکار خانم زینب نزل آبادی و هدی معرفت‌جو که در ویرایش بخش‌هایی از کتاب همراه من بودند.

❏ دانش‌آموزان خوبم: که ایرادهای موجود در چاپ اول را صمیمانه به من منتقل کردند تا بتوانم در ویرایش‌های بعدی آن‌ها را برطرف کنم.

❏ همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمان‌برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گرانقدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر ممنت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام بنده به نشانی زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانقدر است:

@MahdiTorabi132

مهدی ترابی



شماره صفحه

پایه دهم

نام درس

۹	درس اول
۳۳	درس دوم
۵۷	درس سوم و چهارم
۹۳	درس پنجم
۱۱۷	درس ششم
۱۳۷	درس هفتم
۱۵۷	درس هشتم

شماره صفحه

پایه یازدهم

نام درس

۱۷۷	درس اول
۱۹۵	درس دوم
۲۱۵	درس سوم
۲۳۱	درس چهارم
۲۴۷	درس پنجم
۲۶۵	درس ششم
۲۸۳	درس هفتم



شماره صفحه

پایه دوازدهم

نام درس

درس اول ۳۰۵

درس دوم ۳۲۷

درس سوم ۳۵۱

درس چهارم ۳۷۳



پاسخ نامه تشریحی دهم ۳۹۷

پاسخ نامه تشریحی یازدهم ۴۶۳

پاسخ نامه تشریحی دوازدهم ۵۰۹

الدرس الاول:

محتوا دريك نگاه

قواعد اين درس شامل مرور تمام مباحث پایه (سال هفتم، هشتم و نهم) می باشد.
 ارزیابی محتوا: قواعد این درس حجم نسبتاً زیادی را به خود اختصاص می دهد.
 [این قواعد ممکن است در کنکور سراسری سؤال مستقل نداشته باشد، ولی به عنوان پایه مباحث بعدی، یادگیری آنها ضروری است].

مقدمه

در عربی دوره اول (هفتم - هشتم - نهم) با مواردی آشنا شدید که به طور پایه‌ای در عربی دوره دوم (دهم - یازدهم - دوازدهم) به آن اطلاعات پایه‌ای نیاز داریم.

به طور کلی «کلمه» در زبان عربی به سه گروه تقسیم می‌شود:



ابتدا به بررسی «اسم» می‌پردازیم، اسم دارای تقسیم‌بندی‌های گوناگونی است که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها، «جنسیت» و «تعداد» است.

اسم از نظر جنس:

مذکر: اسمی که بر جنس «نر» دلالت می‌کند.

مؤنث: اسمی که بر جنس «ماده» دلالت می‌کند.

۱) مذکر ← علامت خاصی (مانند «ة») ندارد و فقط بر جنس (یا شیء) نر تأکید دارد.

نمونه: رَجُل (مرد) / أَب (پدر) / أَسَد (شیر) / كِتَاب (کتاب)

۱) دارای علامت تأنیث: علامت اصلی آن (ة) می‌باشد که به انتهای کلمه اضافه می‌شود.

نمونه: طَالِبَة (دانش‌آموز (دختر)) / شَجَرَة (درخت)

۲) مؤنث ← بدون علامت تأنیث (قراردادی): بر جنس ماده دلالت می‌کند و علامتی ندارد.

نمونه: أُمُّ (مادر) / اسْم شَهْرَهَا وَ كِشُورَهَا (ایران) / اَعْضَاي زَوْجِ بَدَنِ (ید = دست)

اسم از نظر جنس

علامت‌های تأنیث (مؤنث بودن) اسم

۱) حرف (ة / ة) ← نمونه: مَكْتَبَة

۲) حرف (اء) که زائد باشد ← نمونه: صَحْرَاء

۳) الف مقصوره (ئ) یا (ا) زائد ← نمونه: كُبْرَى - دُنْيَا

نکته نامه

۱) کلماتی مانند (دواء، ماء، قتی و...) علامت مؤنث ندارند؛ زیرا اگر (اء) یا (ئ) را از آخر این اسم‌ها برداریم یک یا دو حرف بیشتر باقی نمی‌ماند؛ یعنی (اء) یا (الف مقصوره) در این اسم‌ها جزء ساختمان اسم است و علامت مؤنث به حساب نمی‌آید، بنابراین آنها را مذکر به حساب می‌آوریم.

۲) برای تشخیص جنسیت در اسم‌های جمع، باید به «مفرد» آن اسم نگاه کنید.

فقراء (جمع) ← مفرد فقیر (مذکر)

نمونه: مؤنث

خضراء (مفرد) ← مؤنث

۳) موارد زیر در زبان عربی به طور قراردادی مؤنث به حساب می‌آیند:

۱) اسامی شهرها - کشورهای - قاره‌ها - قبیله‌ها: طهران - ایران - اوروبا - قریش

۲) اعضای زوج (دو تایی) بدن: ید (دست) / رَجُل (پا) / عَيْن (چشم) / أُذُن (گوش)

۱- در تقسیم‌بندی‌های مذکر و مؤنث، مواردی که بر انسان یا حیوان دلالت نمی‌کند را اصطلاحاً «مجازی» می‌گویند. بر این اساس اسمی مانند «شجرة» مؤنث مجازی و اسمی مانند «کتاب» مذکر مجازی است. (البته تقسیم‌بندی حقیقی و مجازی جزء اهداف کنکور نیست.)

۱۳) اسم‌هایی که بر انسان یا حیوان ماده دلالت کند ولی علامت مؤنث در آخرش نداشته باشد:
أُمّ (مادر) / أُخْت (خواهر) / مَرِیم و...

۱۴) اسم‌هایی که به‌طور «حفظی» به عنوان مؤنث باید یاد بگیرید:
أَرْض (زمین) / شَمْس (خورشید) / سَمَاء (آسمان) / دَار (خانه) / نَار (آتش) / حَرْب (جنگ) / بَیْر (چاه) / رِیح (باد) / حَال (حالت) / نَفْس (خود) / عَصَا

اشتباه شونده‌ها

۱- اسمی که آخرش (ة / ة) دارد به شرطی مؤنث است که «مفرد» باشد.

شجرة (مفرد) ← مؤنث إخوة (جمع) ← مفرد (مذکر) طلبة (جمع) ← مفرد (طالب (مذکر))

اسم از نظر تعداد:

مفرد: اسمی که فقط بر یک نفر یا یک چیز دلالت می‌کند. مانند: کتاب، تلمیذ
مثنی: اسمی که بر دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و با اضافه شدن (ان - ین) به اسم مفرد ساخته می‌شود.

نمونه: معلمان - معلمین

جمع: اسمی که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و دو نوع دارد:

- ۱- جمع مکسر: قاعده و قانون ندارد و شنیدنی و حفظی می‌باشد. **نمونه:** فقیر ← فقراء / صغیر ← صغار
- ۲- جمع سالم

جمع مؤنث سالم: از آخر اسم مفرد، «ة / ة» حذف و سپس «ات» اضافه می‌شود.

معلمة - ة ← معلم + ات ← معلمات

جمع مذکر سالم: با افزودن (ون - ین) به اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود. **نمونه:** (معلمون - معلمین)

جمع سالم

نکته‌نامه

۱) برخی اسم‌ها در زبان عربی بیش از یک جمع مکسر دارند: مانند:

أخ (إخوان - إخوة) نفس (أنفس - نفوس) طالب (طلاب - طلبة) عین (أعین - عیون)

اشتباه شونده‌ها

۱) کلمات «أصوات، أوقات، أموات، أبيات» با اینکه به «ات» ختم شده‌اند، ولی جمع مؤنث سالم نیستند و جمع مکسر هستند.

أوقات ← مفرد / وقت / أصوات ← مفرد / صوت / أموات ← مفرد / میّت - میّت / أبيات ← مفرد / بیت
* «بیت» به معنی «خانه»، جمع مکسرش «بُیوت» است.

۲) اسم‌هایی مانند «عطشان، ایمان، انسان، کتمان و...» نیز «ان» دارند ولی اسم مثنی نیستند.

۳) اسم‌هایی مانند «مساکین، شیاطین، قوانین و...» نیز «ین» دارند ولی جمع مذکر سالم نبوده و جمع مکسر هستند.

اسمی که برای اشاره به اشخاص و اشیاء به کار می‌رود که به صورت زیر تقسیم می‌شود:

جمع	مثنی	جنس	مفرد	اسم اشاره	
هؤلاء (اینان)	هذان - هذین (این دو)	هذا - ذا (این)	مذکر	نزدیک	
	هاتان - هاتین (این دو)	هذه (این)	مؤنث		
اولئک (آنان)	ذَکَ - ذَاکَ (آن)	مذکر	دور	
	تَلَکَ (آن)	مؤنث		

نکته نامه

- برای اشاره به مکان از الفاظ «هنا: اینجا»، «هناک، هنالک: آنجا» استفاده می‌شود.
- اسم بعد از اشاره اگر «أل» نداشته باشد، حتماً نقش «خبر» دارد. هذا کتابٌ. مبتدا خبر
- اسم اشاره از نظر جنس و تعداد با اسم بعدش مطابقت می‌کند. هذا الكتاب / هذه المدرسة / هؤلاء تلاميذ

اشتباه شونده‌ها

- اگر اسم بعد از اشاره، «جمع غیر انسان» باشد، اسم اشاره به صورت «مفرد مؤنث» می‌آید. هذه کُتُبٌ.
- اسم اشاره «هؤلاء» و «اولئک» برای مذکر و مؤنث به طور یکسان به کار می‌رود.

کارگاه ترجمه

- اگر اسم بعد از اشاره، «أل دار» باشد، اسم اشاره همواره «مفرد» ترجمه می‌شود:

نمونه: هذا التلميذ : این دانش آموز
هؤلاء التلاميذ : این دانش آموزان
- اگر اسم بعد از اشاره «بدون أل» باشد، اسم اشاره طبق صیغه خودش ترجمه می‌شود:

نمونه: هذا تلميذ : این دانش آموزی
هؤلاء تلاميذ : اینها دانش آموزانی
- «هناک» در ابتدای جمله به معنی «وجود دارد - هست» ترجمه می‌شود.

نمونه: «هناک مَحْفَظَةٌ نَظِيفَةٌ عَلَي الْمُنْضَدَةِ»: کیف تمیزی بر روی میز وجود دارد.

نوع فعل	مثبت / منفی	فرمول سافت	مثال + ترجمه
ماضی	مثبت	فعل عادی	هُوَ ذَهَبَ ◀ او رفت
	منفی	ما + فعل	هُوَ مَا ذَهَبَ ◀ او نرفت
مضارع	مثبت	ي / ت / ز / أ + فعل ماضی	أَنْتُمْ تَذْهَبَانِ ◀ شما می‌روید
	منفی	لا + فعل مضارع	أَنْتَ لَا تَذْهَبُ ◀ تو نمی‌روی
آینده (مستقل)	مثبت	سَ / سوفَ + فعل مضارع	نَحْنُ سَنَذْهَبُ ◀ خواهیم رفت
امر (مخاطب)	حذف حرف اول (ت) مضارع مجزوم ^(۱)	إِذْهَبْ ◀ برو
نهی	لا + مضارع مجزوم	لَا تَذْهَبْ ◀ نرو

طریقهٔ سافت فعل امر مخاطب ◀ از صیغه‌های مخاطب (دوم شخص مفرد به بعد) ساخته شود.

مثال	مراحل تبدیل فعل مضارع به امر
تَذْهَبُ ◀ ذَهَبُ	۱ حرف (ت) را از ابتدای فعل حذف می‌کنیم.
ذَهَبُ ◀ اِذْهَبُ	۲ اگر اولین حرف بعد از حذف (ت) ساکن (س) باشد، به جای آن (ا) می‌گذاریم.
تَذْهَبُ ◀ اِذْهَبُ	۳ علامت (ا) را با توجه به حرف بعد از ساکن تعیین می‌کنیم، اگر (س) باشد، از (ا) و اگر (س) باشد از (ا) استفاده می‌کنیم.
اِذْهَبُ ◀ اِذْهَبُ	۴ آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.

طریقهٔ سافت فعل نهی ◀ نهی در واقع دستور به انجام ندادن کاری است. (از تمام صیغه‌های مضارع ساخته می‌شود).

مثال	مراحل تبدیل فعل مضارع به امر
تَذْهَبُ ◀ لَا تَذْهَبُ	۱ ابتدا حرف (لا) را در ابتدای فعل اضافه می‌کنیم.
لَا تَذْهَبُ ◀ لَا تَذْهَبُ	۲ آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.

۱- مجزوم کردن: یعنی حرکت «س» به «ه» تبدیل شود و در صیغه‌های دارای «نون»، «نون» از آخر فعل مضارع حذف شود، به جز دو صیغهٔ جمع مؤنث که تغییرناپذیرند. (یذهبن

- ۱) برای منفی کردن فعل ماضی فقط از «ما» استفاده می‌شود ولی برای فعل مضارع هم می‌توانیم از «ما» و هم می‌توانیم از «لا» استفاده کنیم که البته آخر فعل در هر صورت نباید تغییر کند.
نمونه: ما ذَهَبْ: نرفت (لا - ما) يَذْهَبُ: نمی‌رود
- ۲) برای منفی کردن فعل مستقبل (آینده) از حرف «لَنْ» به جای «سَیَ» استفاده می‌کنیم. [در عربی یازدهم این نکته را کامل خواهیم گفت]. سوف يَذْهَبُ: خواهد رفت ◀ لَنْ يَذْهَبُ: نخواهد رفت.
- ۳) در ساختن فعل امر مخاطب، در صورتی که بعد از حذف کردن «ت»، اولین حرف دارای حرکت باشد (ساکن نباشد) نباید به ابتدای فعل، همزه اضافه کنید. تَعْلَمُونَ ◀ تَعْلَمُوا ◀ عَلِّمُوا

اشتباه شونده‌ها

- ۱) صیغه‌های جمع مؤنث غایب (يَذْهَبْنَ) و جمع مؤنث مخاطب (تَذْهَبْنَ) در مجزوم کردن دچار تغییر نمی‌شوند، بنابراین وقتی لا در کنار این صیغه‌ها مشاهده کردید، باید حتماً به ترجمه فعل در جمله توجه کنید تا نفی یا نهی بودن فعل را متوجه شوید.

لا نهی	باید بروند	لا نهی	نروید
يَذْهَبْنَ	نمی‌روند	تَذْهَبْنَ	نمی‌روید
لا نفی	لا نفی	لا نفی	لا نفی

۲) تفاوت لا ناهیه و لا نافیة در این است که:

لا ناهیه	مجزوم می‌کند.	لا نافیة	مجزوم نمی‌کند.
دستور منفی ترجمه می‌شود.	دستور منفی ترجمه می‌شود.	منفی ساده ترجمه می‌شود.	منفی ساده ترجمه می‌شود.

- ۳) فعل مضارع در ابتدای خود یکی از حروف «ی ت ن ا» را دارد و در آخرش نیز همواره «ئ» یا «ن» مشاهده می‌شود، بنابراین فعلی مانند «تَعْلَمُ» یا «تَكْتَسِلُ» که در ابتدای خود «ت» دارد به خاطر اینکه آخرش «ئ» یا «ن» ندارد مضارع نبوده و ماضی می‌باشد.
- ۴) فعل «امر مخاطب» با روشی که در درسنامه گفته شد، ساخته می‌شود و روش ساختن امر از صیغه‌های غایب و متکلم مضارع به شکل دیگری می‌باشد که نباید به هیچ عنوان روش امر ساختن را جابه‌جا انجام دهید:

لِ + صیغه‌های غایب و متکلم مضارع مجزوم ◀ امر غایب و متکلم لِیَذْهَبْ: باید برود

سافت فعل در عربی ◀ منظور از صیغه در عربی، همان شخص در زبان فارسی، یعنی همان (من / تو / او / ...) می‌باشد.

وزن / مثال	صیغه‌های فعل ماضی	وزن / مثال	صیغه‌های فعل ماضی
فَعَلْنَا / ذَهَبْنَا	اول شخص جمع (ما)	فَعَلْتُ / ذَهَبْتُ	اول شخص (من)
فَعَلْتُمْ / ذَهَبْتُمْ	مذکر دوم شخص جمع (شما)	فَعَلْتَ / ذَهَبْتَ	مذکر دوم شخص (تو)
فَعَلْتَنَّ / ذَهَبْتَنَّنَّ	مؤنث دوم شخص جمع (شما)	فَعَلْتِ / ذَهَبْتِ	مؤنث دوم شخص (تو)
فَعَلُوا / ذَهَبُوا	مذکر سوم شخص جمع (آنها)	فَعَلَ / ذَهَبَ	مذکر سوم شخص (او)
فَعَلْنَ / ذَهَبْنَ	مؤنث سوم شخص جمع (آنها)	فَعَلَتْ / ذَهَبَتْ	مؤنث سوم شخص (او)
فَعَلْنَا / ذَهَبْنَا	سوم شخص مثنی (مؤنث)	فَعَلَا / ذَهَبَا	سوم شخص مثنی (مذکر)
فَعَلْتُمَا / ذَهَبْتُمَا	دوم شخص مثنی (مؤنث)	فَعَلْتُمَا / ذَهَبْتُمَا	دوم شخص مثنی (مذکر)

وزن / مثال	صیغه‌های فعل مضارع		وزن / مثال	صیغه‌های فعل مضارع	
نَفَعَلُ / نَذْهَبُ	اول شخص جمع (ما)		أَفْعَلُ / أَذْهَبُ	اول شخص (من)	
تَفَعَلُونَ / تَذْهَبُونَ	مذکر	دوم شخص جمع (شما)	تَفَعَلُ / تَذْهَبُ	مذکر	دوم شخص مفرد (تو)
تَفَعَلْنَ / تَذْهَبْنَ	مؤنث		تَفَعَلِينَ / تَذْهَبِينَ	مؤنث	
يَفَعَلُونَ / يَذْهَبُونَ	مذکر	سوم شخص جمع (آنها)	يَفَعَلُ / يَذْهَبُ	مذکر	سوم شخص مفرد (او)
يَفَعَلْنَ / يَذْهَبْنَ	مؤنث		تَفَعَلُ / تَذْهَبُ	مؤنث	
يَفَعَلَانِ / يَذْهَبَانِ	سوم شخص مثنی (مؤنث)		يَفَعَلَانِ / يَذْهَبَانِ	سوم شخص مثنی (مذکر)	
تَفَعَلَانِ / تَذْهَبَانِ	دوم شخص مثنی (مؤنث)		تَفَعَلَانِ / تَذْهَبَانِ	دوم شخص مثنی (مذکر)	

نکته‌نامه

۱) فعل‌های مضارع در صیغه‌های «لِلغَائِبَةِ» (هی) و «لِلْمَخَاطَبِ» (أنت) با هم یکسان هستند و در ۳ صیغه از مثنای فعل‌ها یکسان است. (لِلغَائِبَتَيْنِ، لِلْمَخَاطَبَيْنِ، لِلْمَخَاطَبَتَيْنِ)

نمونه:

می‌روند (لِلغَائِبَيْنِ)	تذهبان	می‌روی (لِلْمَخَاطَبِ)	تَذْهَبُ
می‌روند (لِلغَائِبَتَيْنِ)		می‌رود (لِلغَائِبَةِ)	
می‌روید (لِلْمَخَاطَبَيْنِ)			

۲) اگر در جمله مورد نظر یکی از نشانه‌های «يا، أَيُّهَا، أَيُّهَا، اللَّهُمَّ، ...» مشاهده کردید معمولاً از فعلی در صیغه مخاطب باید استفاده کنید.

نمونه تست:

ای جواب غیر مناسب للفراغ: «المؤمنون إلى الفقراء و المساكين.»

۱) يُحْسِنُونَ ۲) أَحْسَنُوا ۳) أَحْسَنْتُمْ ۴) كَانُوا يُحْسِنُونَ

پاسخ تست: با توجه به اینکه در جمله، نشانه‌ای برای مخاطب بودن وجود ندارد، گزینه «۳» نمی‌تواند در جای خالی قرار گیرد و جواب تست می‌باشد.

در سایر گزینه‌ها به ترتیب (مضارع - ماضی - ماضی استمراری) در صیغه غایب داریم که مناسب جای خالی هستند.

کارگاه ترجمه

۱) اگر «کان» به ابتدای فعل مضارع اضافه شود، این ترکیب معادل «ماضی استمراری فارسی» ترجمه می‌شود.

نمونه: کان يَذْهَبُ: می‌رفت

برای منفی شدن این ترکیب، می‌توانیم به ابتدای «کان» که فعل ماضی است، «ما» اضافه کنیم و یا به ابتدای فعل مضارع، «لا» اضافه کنیم. ما کان يَذْهَبُ = کان لا يَذْهَبُ: نمی‌رفت

۲ «مثنی و جمع» فعل‌های عربی و «مذکر و مؤنث» آنها در فارسی دقیقاً یکسان ترجمه می‌شود.

نمونه: می‌روند | یذهبان (لغائین)
تذهبان (لغائتین)

می‌رود | یذهب (مذکر غایب)
تذهب (مؤنث غایب)

۳ فعل امر و نهی، اگر مربوط به صیغه‌های مخاطب باشد به صورت دستور مثبت یا منفی فارسی ترجمه می‌شود.

نمونه: اِذْهَبْ: برو لا تَذْهَبْ: نرو

ولی اگر مربوط به صیغه‌های غایب یا متکلم باشد به صورت مضارع التزامی مثبت یا منفی و به همراه (باید) یا (نباید) ترجمه می‌شود.

نمونه: لِيَذْهَبْ: باید برود لا يَذْهَبْ: نباید برود



۱- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ هَذِهِ اللُّغَاتِ: «حِوَارٍ - حَرِيفٍ - مِفْتَاحٍ»

- ۱ گفت‌وگو - بهار - کلید
۲ کنار - پاییز - قفل
۳ گفت‌وگو - پاییز - کلید
۴ دیوار - بهار - قفل

۲- عَيْنَ كَلِمَةٍ تُنَاسِبُ مَعْنَى هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.»

- ۱ الشررة
۲ حاسوب
۳ الغيم
۴ مخزن

۳- ما هو معنى «الْفُسْتَانِ»؟

- ۱ كوكبٌ يدورُ حولَ الأرضِ.
۲ منَ الأحجارِ الجميلةِ الغاليةِ.
۳ منَ الملابسِ النسائيةِ.
۴ قطعةٌ من النارِ.

۴- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَادًّا تَكْسِبُ غَدًا: چه چیزی، فردا
۲ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ: ستمکاران، یاوران
۳ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَحْلٌ وَ زُمَانٌ: خرما، انار
۴ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ: آراستیم، سیارگان

۵- عَيْنَ الصَّحِيحِ حَسَبَ الْمَطْلُوبِ فِي الْمُتْرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ:

الغيم (مترادف)، مسرور (متضاد)، قبيح (متضاد)، مجتهد (مترادف)

الف) فاحذروها حذرَ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ وَ الْمَجْدُّ الْكَادِحِ.

ب) وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَاتَّهَرُّوا فُرْصَ الْخَيْرِ.

ج) مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاخِطًا.

د) وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا.

- ۱ ب، ج، الف، د
۲ ج، الف، د، ب
۳ ب، ج، د، الف
۴ د، ب، ج، الف

۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ حَسَبَ التَّعَارِيفِ التَّالِيَةِ:

جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ/ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ/ مِنْ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.

- ۱ الشَّمْسُ، الْغَيْمُ، الدُّرُّ
۲ الْقَمَرُ، الْغَيْمُ، الدُّرُّ
۳ الشَّمْسُ، الْقَمَرُ، الْحَدِيدُ
۴ الْقَمَرُ، الشَّمْسُ، الْحَدِيدُ

۷- عَيْنَ مَا فِيهِ خَطَأٌ فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ۱ وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ: رنگ‌ها
۲ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ: زیبایی
۳ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ ذَاتَ بَهْجَةٍ: رویانیدیم
۴ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ: بیرون می‌آورد (درمی‌آورد)

٨- عَيْنٌ مَا فِيهِ الْكَلِمَاتُ الْمُتَضَادَّةُ أَكْثَرَ مِنَ الْعِبَارَاتِ الْأُخْرَى:

- ١ أَوَّلُ قَبْلِ الْأَشْيَاءِ بِأَوَّلِيَّتِهِ، وَ آخِرُ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ بِأَنْهَايَةِ.
- ٢ أَرْضُكُمْ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمَاءِ، بَعِيدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ.
- ٣ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ.
- ٤ فَيَعْلَمُ سُبْحَانَهُ مَا فِي الْأَرْحَامِ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى، وَ قَبِيحٍ أَوْ جَمِيلٍ، وَ سَخِيٍّ أَوْ بَخِيلٍ وَ شَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ.

٩- عَيْنٌ مَا فِيهِ مُتْرَادِفٌ:

- ١ وَ جَدَّتْهَا وَ قَوْمُهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ.
- ٢ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا وَ قَدَّرَهُ مَنَازِلَ.
- ٣ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا.
- ٤ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

١٠- عَيْنٌ الْخَطَأُ فِي تَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ١ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا: كَرَفْتَد، خَلَقَ نَمَى كَنَد.
- ٢ وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرْوُونَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلَّ سَبِيلًا: بِه زودى خواهند دانست، مى بينند.
- ٣ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ: تَأْمَلُ كَرَدَه ايد، مى پرستيد.
- ٤ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيْ الْمُرْسَلِينَ: نَتْرَس، نَمَى تَرْسند.

١١- عَيْنٌ مَا فِيهِ كَلِمَةٌ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

- ١ جَذْوَةٌ - الشَّمْسُ - نَجْمٌ - ضِيَاءٌ
- ٢ المَطَرُ - الغَيْمُ - سَحَابٌ - رَطْبٌ
- ٣ عُصْوَةٌ - شَجَرَةٌ - نَمَاءٌ - الثَّمَرَةُ
- ٤ خَرِيفٌ - مُنْهَمِرَةٌ - وَرَقَةٌ - البرُّ

١٢- عَيْنٌ مَا فِيهِ الْمُتَضَادُّ:

- ١ عَلَى الرَّاسِبِينَ أَنْ يَتَعَلَّمُوا مِنَ النَّاجِحِينَ فِي الْحَيَاتِ
- ٢ وَ قَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِيَتَعَلَّمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ
- ٣ وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا
- ٤ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

١٣- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُتْرَادِفَاتُ:

- ١ ثَمَّتْهَا غَالِيَةً جَدًّا لَنْ أَقْدَرَ أَنْ أَشْتَرَى هَذِهِ السَّلْعَةَ الثَّمِينَةَ أَبَدًا
- ٢ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا
- ٣ تُسَاعِدُونِي أَنْ أَنْقِذَ مِنَ الْجَذْوَةِ وَ الشَّرَرَةِ مُهْلِكَةٌ
- ٤ حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَرْبَ الشَّمْسِ وَ جَدَّهَا تُعْرَبُ فِي عَيْنِ حَمِيَّةٍ

١٤- عَيْنٌ الْخَطَأُ فِي مَعْنَى كَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ١ زَانَ الرَّبِّ السَّمَاءَ مَعَ أَنْجُمٍ مُسْتَعْرَةً: عَمَلٌ يَبْدُلُ شَيْئًا بِصُورَةٍ جَمِيلَةٍ
- ٢ لَقِيْتُ أَحَدًا مِنْ أَصْدِقَائِي فِي قَاعَةِ السِّيْمَا: مَكَانٌ مُسَقَّفٌ كَبِيرٌ
- ٣ يَنْفِصِلُ اللَّهُ الْفَائِزِينَ مِنَ الرَّاسِبِينَ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ: الَّذِينَ مَاتَجَحُوا فِي نَوْعٍ مِنَ الْإِمْتِحَانِ
- ٤ إِسْتِعْمَالُ الْجَوَالِ مَسْمُوحٌ هُنَا: الْعَمَلُ الَّذِي مَمْنُوعٌ

١٥- عَيْنٌ الصَّحِيحُ فِي مُتَضَادِّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ١ الْمَلَابِيسُ النَّسَائِيَةُ تُبَاعُ فِي هَذَا السُّوقِ: تُشْتَرَى
- ٢ الطَّائِرُ يَغْنَى بِصَوْتِ حَزِينٍ: قَبِيحٌ
- ٣ أَصْحَابُ الشَّمَالِ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الْخَاسِرِينَ: الْيَسَارِ
- ٤ فَمَا لَهُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ لَا نَاصِرٍ: الْمُقَاتِلِ

١٦- ائى كلمة تناسب هذه العبارات؟ (جذوتها مُستعرة، فيها ضياءٌ و بها حرارة مُنتشرة) (من الاحجار الغالية ذات اللون الابيض)

- ١ الدرر - الشمس
٢ الشمس - الدرر
٣ النجوم - العقيق
٤ الشمس - النجوم

١٧- عين الصحيح بالنسبة الى التوضيحات التالية: بُخارٌ متراكم فى السماء ينزلُ منه المطر - كوكبٌ يدورُ حول الارض، ضياؤُ من الشمس

- ١ السحاب - النجم
٢ القمر - الارض
٣ الغيم - القمر
٤ الغيم - الارض

١٨- فى ائى عبارة ليس كل الاسماء مُضادٌ؟

- ١ بيع و شراء - رخيصة و غالية
٢ بداية و نهاية - يمين و يسار
٣ نورو ظلمة - قبيح و جميل
٤ رقد و نام - قريب و بعيد

١٩- فى ائى عبارة ليس كل الاسماء مترادفٌ؟

- ١ رقد و نام - مجتهد و مجد
٢ نورو ضياء - حزين و مسرور
٣ مسرور و فرحان - فجأة و بغتة
٤ نجم و كوكب - صديق و حبيب

حوارات (كنت وكوها)

٢٠- عين الخطأ فى ترجمه الحوارات:

- ١ - كيف حالك؟ حالتان چطور است
- أنا بخير، و كيف أنت: خوب هستم، شما چطور؟
٢ - بخير و الحمد لله: خوبم خدا رو شكر.
- عفواً، من أين أنت؟ ببخشيد، از كجا هستى؟
٣ - أنا من الجمهورية الإسلامية الإيرانية: من از جمهوری اسلامی ایران هستم.
- ما اسمك الكريم: اسمتان كريم است؟
٤ - اسمى حسين و ما اسمك؟ نامم حسين است و نام شما چيست؟
- اسمى عبدالرحمن: نام من عبدالرحمن است.

٢١- عين ما فيه الخطأ فى الحوارات:

- ١ - صباح الخير يا أخى.
- صباح النور و السرور.
٢ - كيف حالك؟
- عفواً، من أين أنت؟
٣ - أنا من الجمهورية الإسلامية الإيرانية.
- ما اسمك الكريم؟
٤ - اسمى حسين و ما اسمك الكريم؟
- اسمى عبدالرحمان.

٢٢- عين الصحيح للفرغات:

«..... الخير يا

- صباح و السرور. من أين أنت؟

- أنا من هل إلى إيران حتى الآن؟

- لا، مع الأسف، لكنى أحب أن أسافر.»

- ١ سلام - أخى - النور - الجمهورية الإيرانية الإسلامية - سافرت
٢ صباح - حبيبى - كم - الجمهورية الإسلامية الإيرانية - سافرت
٣ سلام - حبيبى - النور - الجمهورية الإيرانية الإسلامية - سافرت
٤ صباح - أخى - النور - الجمهورية الإسلامية الإيرانية - سافرت